



۲۰۱۶/۱۲/۳۰



مصطفی «عمرزی»

## سرخورده و سرافکنده (روسیه و ایران در تفسیر بحران زده گان)



14 سال پس از هجوم آمریکاییان به افغانستان، فرصت ها در عکس قضیه، دشمنان تحریک اسلامی طالبان افغانستان را در هجوم ملخ وار به قدرت در شهر ها، شانس داد ضمن تنفس آزاد از منگنه ی سوراخ ها و حفره های جبهه ی به اصطلاح مقاومت، به نحوی در شرکت سهامی حکومت افغانستان سهیم شوند که بازیگران بدترین تاریخ معاصر (چهار سال حاکمیت ملا ربانی) در ساخت و ساز دیموکراسی وارداتی، ارکان و ستون های حقوق بشر، آزادی بیان، دیموکراسی و بنایی می شوند که در طول تمام این کمیدی، مدافعان جهانی حقوق بشر و آزادی نخواستند بفهمند دو سوی بحران افغانستان که یکی به بهانه ی

موتلف القاعده، به جای سوراخ نشینان کوه ها، از ارگ به مرگ محکوم شد، در کدام تجربه ی مدنی دیده شده است کسانی جای طالبان را بگیرند که در چهار سال، دمار از هستی و سازنده گی افغانستان در آوردند و از همه بدتر، مجریان اغراض همسایه گان، تبلور دیموکراسی غربی در متن مدعای ایرانی و روسی، به درستی تفهیم می کرد کسانی که از همراهی با سربازان آمریکایی تا حد پاکیزه کار، خانه سامان و خدمه، شان خویش را نمایش دادند، اگر از باد پول های غربی شتاب می گرفتند که آرمان دل بکشند، در نبود شعور سیاسی- ملی که در بحران جهاد افغانستان در تنوع تنظیم ها، به جز افغانستان، افغانان و منافع ملی ما، هرگونه ی تعهدی را امضاء کرده بودند، بهتر نبود از سطح خادمین و عمله و فله ای که از محکمه ی خشن طالبان که بسیار موجه نیز بود، در حدی به قناعت می رسیدند که اگر ماندند و از فرصت نو، زنده گی یافتند، هرگز لازم نبود جای آنان در مغز استخوان نظام، به اندازه به عفونت بکشد که از نحوه ی وابسته گی های شان به بیگانه، تکنوکراتان غربی، در چهار راه برخورد با دنیا، هنوز نمی توانند از سطور اول پاراگراف مثنی خارجی به صفحه ی دیگر، صعود کنند.

هرچه باشد، خصوصیت مکتب افغانستان (موقعیت جغرافیایی و دموگرافی) درس هایی تهیه می کنند که در مولفه های اجباری آن، زمانی به سرخورده گی و سرافکنده گی می رسند که می بینیم کشور های پیرامون از تعریف منافع ملی- رژیم ها، بر مجموعه ی تحمیلی ناراض، در اندازه ای شان قایل اند که به نفع شان باشد.

سقوط طالبان، هرگز به معنی نفی آن واقعیت هایی نیست که وقتی مخالفان آنان به شهر ها و انحصار قدرت رو آوردند، یادما نرود ملا ربانی با گروهک شر و فساد در لویه جرگه ی قانون اساسی با فهرستی از بازیگران وابسته به ایران و روسیه، زور می زدند با افزایش رقم امضاء، طرح تعدیل نام افغانستان در شرایطی رقم بخورد که پس از آن همه بحران، چنین نیتی برای تداوم بحران بود. هرچند گروهک شر و فساد در ارایه ی طرح خجالت آور خود شرمسار شدند، اما حضور نحس آنان در انحصار پُست ها و چپاول دارایی ها، در حالی به دهن کجی در برابر غریبان خاست که از خیرات حضور آنان می خوردند و ابقا شدند، ولی رشته ی مودت را در تار های خام لطف ولایت فقیه و حریف در ظاهر پیشین (روس) بسته بودند.

در طول یک دهه ی گذشته، رفت و آمد ها با توجه بر ایجاد ذهنیت های ضد افغانی، به خصوص ضد پشتونی، مخالفان داخلی این کشور را ناامید می کند که می نگرند باوجود اغماض و ضیاع حقوق بزرگ ترین واقعیت

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې دلیکنېزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

افغانستان (پشتون ها) دوستان خارجی در سیاست گذاری های افغانستان، از واقعیت ها چشم پوشی نمی کنند. حرمان از تغییرات بنیادی گروهک ستمی- سقاوی که نمونه ی روسی اش (تجاوز شوروی) نیز به یاس مبدل شد، این گروهک را در موقعیت انحصارگر، چپاول کننده و ضایع کننده ی صد ها فرصت مصالحه ی ملی، با گرایش به استخبارات منطقه، در سیمایی نشان می دهد که اگر سطح پایین شعور آنان از درک فرصت ها با گرایش به تمثیل افغانی، آزمون اعتماد بر آنان را صفر کرد، دل خوشی ها در پیوستن به ائتلاف های منطقه یی ضد افغانستان، در زمانی به سرخورده گی و سرافکنده گی آنان رسیده است که دیگر هیچ منطق و ادبیاتی قادر به تعمیم غلط فهمی در میان پیروان منحرف نیست.

یادم می آید وقتی معاون بارک اوباما، طالبان را قضیه ای مجزا از القاعده اعلام کرد که دشمنان آمریکا نیستند، رسانه های وابسته به گروهک شر و فساد زور می زدند با تاویل یک مجموعه ی صوتی- تصویری مستند، خطر این سیاست را برای عاقبت شوم خودشان، سرچپه کنند. افراد وابسته به آنان، هزاران بار در میز گفت و گوی غربیان نشسته اند. نمونه ی روراباکر، اگر استثنای دور از رسمیات آمریکا بود، قبول این دروغ که مدعیات گروهک های ضد افغانستان بر اساس اندیشه ی ستمی گری، واقعیت خراسانی- پارسی است، با طرد دوستان بین المللی، هرچند استفاده ی ابزاری در سطح حکومت را به مصیبت نظام ناکارا و بسیار سیاسی ای مبدل کرد که هرکه پشتون نباشد، فقط می خورد و چور می کند و این خیانت را از برکت خارجی می داند، اما چشم پوشی از نقش بنیادین تکنوکراتان پشتون، ناممکن است.

افت افغانستان در مثال گرایش های افرادی که با تحمیل بر سیستم، هزار انواع خیانت کردند و اما عاجز از درک موقعیت و سیاست ها، اینک در نوبت تحویل گیری طالبان از سوی ایران و روسیه، به چنان سرخورده گی و سرافکنده گی ای رسیده اند که توجیه آن در افت سطوح پایین، در فضای مجازی بیداری فکری، درز و شقاق را هرچند به نفع افغانستان در میان گروهک ها انداخته است، اما زیان های وارده از این فرهنگ و تعمیم درازمدت فهم مساله ی ملی که شماری ممکن است در غم افغانستان و افغانان غمگسار باشند، نوع تفسیر ما از فضای سیاسی داخل کشور در توجه به جذب افکاری را به دشواری می کشاند که اگر همواره از حُسن درس های مکتب افغانستان (واقعیت ها) سود برده ایم، دستگاه دولتی ما با صدور جواز صد ها بُنگاه شر و تفرقه، نمی تواند به خوبی از مزایای تبارز واقعیت ها در گسترده گی جغرافیایی، مستفید شود.

خوانش و نگرش متن و سیمای سرخورده گان و سرافکنده گان مخالف، لذت بخش و خوش است. این سقوط کمک می کند در کشوری به تعدیل افکار باطل خویش بپردازند که در موضع تاریخ، فرهنگ و حضور سیاسی بیش از چهل سال، در زمانی که ارزشمندی های آنان به صفر تقرب می کند، ممکن است در تبیین ناهنجاری هایی که می کنیم، به این نتیجه برسند که اگر خیری از حضور سیاسی به اصطلاح هژمونی گروهک ها متصور نیست، حداقل با آن چه به دست آورده اند، ولو ناروا، حرام، زیاده و با اجحاف بر دیگران، در میزان سیاست های بیرونی، بدانند که اگر روزی تمویل می شدند و پیروان بیگانه در تحریف جهاد و مبارزه افغانان شدند، قیمت آنان چیزی بیشتر از همان مزدوران و مزدبگیرانی نیست که در زمان نیاز استخدام می کنند و نوع سیاسی آن، برپایی محافل، حرکت ها، احزاب و جریان هایی ست که مانند گروهک های داخلی افغانستان، پس از تاریخ مصرف، آب دهن می شوند و بر گندی که زده اند، می اندازند.

خوب است در زمینه ای که در هر ج و مرج آن، به نان و نوایی رسیده اند، حداقل برای حفظ این مادیات ناروا در حالی به این کشور خیانت نکنند که تشدید بحران داخلی آن بر اساس شعور پایین شان، در پیامدی که هر آن ساعقه می شود، از مفادی محروم نشوند که اگر سهم افغانستان و ملت افغان را نبخشیم، دوستان خارجی باید قبول کنند و پاسخ دهند در کدام بند، فقره و ماده ی دیموکراسی غربی، اجازه است برای ساختار بنیادین و محکم، از مواد و مصالحی استفاده کنند که در کهنه بازار بحران افغانستان، هیچ نامی جز خاین، قاتل، تنظیمی، فاسد، جنایتکار و مزدور ندارند. اگر تاریخ چهار ساله ی حاکمیت ملا ربانی، چیزی بیشتر از نخبه گان موصوف (بالا) دارند، نشان دهند تا از میان سرافکنده گان کنونی، مشخص کنیم.

سرخورده و سرافکنده، دو مشخصه ی بارز کسانی ست که یادگرفته اند برای **منافع شخصی، قومی، تنظیمی و حزبی، افغانستان را فراموش کنند**، اما شوکه شوند که می بینند که تعریف منافع بیگانه، تاریخ مصرف آنان را مشخص کرده است.

د پاپو شمیره: له 2 تر2

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ